

نسبت معنویت متعالی با ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام و ابعاد تأثیر آن بر سبک زندگی

سیدمجید موسوی^۱، محمد رضا پور^۲

چکیده

معنویت، محرکی باطنی و عاملی تأثیرگذار بر سبک زندگی اسلامی است. به دلیل تشکیل جریان‌های عرفانی منحرف و ترویج سبک‌های زندگی بر طبق مبانی انحرافی آنان، تبیین و تحلیل معنویت منطبق بر عقلانیت صحیح طبق مبانی امامیه و نسبت آن با برخی باورها (نظیر ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام) لازم است. معنویت می‌تواند از اعتقاد به ولایت تکوینی ناشی گردد؛ چراکه ولایت تکوینی ریشه در قرب الهی دارد و نقطه اوج معنویت بوده و نتیجه معنویت حقیقی و اصیل است؛ چنان‌که باور به ولایت تکوینی، منشأ حرکت به سوی معنویت و میزان ارزیابی آن است. وحیانی بودن، جامعیت، حرکت‌بخشی، و... از شاخصه‌های این گونه معنویت است. نمونه‌های تأثیر معنویت در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام در ابعاد مختلف عبارتند از: یاد خدا، اخلاص، توسل، رعایت اخلاق، عدالت و انصاف، اجتماع حول محور حاکمیت و توجه به اسباب معنویت اجتماعی. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. اما در پردازش داده‌ها از تبیین، توصیف، تحلیل و نقد استفاده شده است.

واژگان کلیدی: معنویت، ولایت تکوینی، سبک زندگی، اهل بیت علیهم السلام، مقامات اهل بیت علیهم السلام.

مقدمه

دین اسلام بی‌تردید از ادیان الهی و آخرین برنامه‌ارسالی از سوی خداوند به بندگان می‌باشد. طراحی و ساختار این دین به‌گونه‌ای است که معنویت در سراسر آن به چشم می‌خورد. موضوع یا محل معنویت، انسان است؛ چراکه معنویت حالتی قابل دست‌یابی برای انسان است. به عبارت دیگر، انسان ظرفیت روی آوردن، ایجاد، یا رسیدن به این حالت‌ها را دارد. ولی مهم آن است که بتوان درباره انبوه حالت‌هایی که از آن به‌عنوان معنویت یاد می‌شود، یا ابزاری که برای وصول به آن در نظر گرفته می‌شود، حالت‌ها و ابزارهای مناسب را انتخاب کرد.

بحث سبک زندگی یکی از مباحث جدید به‌لحاظ عنوان (نه محتوا) آن است و عده‌ای از متفکران سعی دارند با مبانی خاص فکری خود، سبک‌های جدیدی از زندگی را تأسیس و یا توجیه نمایند. در ادامه به تعریف مورد نظر در سبک زندگی اشاره خواهیم نمود.

از طرفی، یکی از اصول اساسی و خطوط تأثیرگذار بر سبک زندگی اسلامی، اصل معنویت است که به‌عنوان عاملی درونی و موتور محرک و انگیزه‌بخش به هدایت و ثبات سبک زندگی می‌پردازد؛ به صورتی که بدون آن، زندگی دائماً از صورتی به صورت دیگر در می‌آید. لکن باید در نظر داشت که معنویت باید مبتنی بر مبانی اعتقادی مستحکم باشد. یکی از زیربناهای اعتقادی معنویت، اعتقاد به ولایت تکوینی اهل بیت علیهم‌السلام است که باید ضمن تبیین مفهوم این لفظ، رابطه آن را با معنویت بررسی نمود که نوشتار حاضر به تبیین رابطه این دو می‌پردازد. بنابراین مسأله مهم این تحقیق، ابتدا تبیین معنویت متعالی و ولایت تکوینی، سپس بیان نسبت معنویت متعالی با ولایت تکوینی اهل بیت علیهم‌السلام و در ادامه، بررسی تأثیر عینی این‌گونه از معنویت بر سبک زندگی می‌باشد.

ضرورت تحقیق این است که جایگاه رفیع اهل بیت پیامبر، مورد اتفاق اغلب مذاهب اسلامی است. در طول تاریخ، عالمان و شعرا و سخن‌وران به بیان مقامات و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند. از این‌رو اعتقاد عموم مسلمانان به مقامات اهل بیت علیهم‌السلام، اعتقادی عمیق و ریشه‌دار است. از این مطلب مورد اتفاق و مورد توجه عموم اهل اسلام می‌توان برای طرح الگوگیری از اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام

برای سبک زندگی جوامع اسلامی، استفاده مطلوب داشت.

در موضوع سبک زندگی بر پایه اعتقادات اسلامی، تحقیقات زیادی صورت گرفته^۱ و نیز در سبک زندگی عموم اهل بیت (علیهم‌السلام) و یا شخصیت خاصی از آنها، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است.^۲ چنان‌که در باب معنویت و همچنین ولایت تکوینی به‌طور جداگانه کتاب‌های مختلفی از طرف فرق مختلف اسلامی نگاشته شده است. اما درباره موضوع مورد بحث (نسبت معنویت با ولایت تکوینی و ابعاد تأثیر آن بر سبک زندگی) به‌صورت خاص کتاب یا مقاله‌ای دیده نشد.

تحقیق حاضر از یک حیث، مسأله‌محور است و از طرف دیگر، نظری و از جهتی نیز توسعه‌ای محسوب می‌شود. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای - اعم از کتاب و مقاله و منابع دیگر - می‌باشد و در پردازش داده‌های تحقیق، از فنون مختلف توصیفی، تحلیلی، تطبیقی، تبیینی، انتقادی و ... سود برده شده است:

۱. مفهوم‌شناسی معنویت

واژه «معنویت»، مصدر جعلی معنوی از ریشه «عنی» به معنای قصد کردن و نیز خضوع، ذلت و ظهور و بروز شیء است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۳۴) و معنوی، منسوب به معنی و به معنای حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۴۵، ص ۱۷۶۳).

۱-۱. معنویت از نگاه دانشمندان غرب

معنویت (spirituality) در میان دانشمندان غربی، کاربردهای متفاوتی در حوزه‌های مختلف دارد. معنویت در فلسفه، در برخی کاربردها مرادف با ایده‌گرایی است. (Rees, 1969, p547) اما در حوزه دین، تعریف‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران نقل شده است:

- از نظر برخی، معنویت نتیجه مواجهه روح انسان با امر قدسی در درجات مختلف است که موجب پرورش روح می‌شود و رشد معنوی را تضمین می‌کند (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

- در تعریف دیگری، معنویت به معنای ساکن شدن روح القدس در فرد است؛ به‌نحوی که بر رفتار فرد معنوی تأثیر می‌گذارد (همان).

معنویت در دو تعریف گذشته، حقیقتاً یکی هستند و صرفاً اختلاف لفظی دارند.

۱. ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۱؛ عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۱؛ مهدوی‌نژاد، (۱۳۸۸).

۲. ر.ک: حیدری ابهری، (۱۳۹۷)؛ پورامینی، (۱۳۹۳)؛ فقیه، علی نقی، و دیگران، (۱۳۹۴).

- معنویت کوششی برای پیدا شدن حساسیت به خود، دیگران، موجودات غیر انسانی و خداست. (همان).

۱-۲. معنویت از نگاه اندیشمندان مسلمان

معنویت در اصطلاح اندیشمندان مسلمان، گاهی در مقابل امور مادی و گاهی به معنای ارزش‌های اخلاقی، دین، حقیقت اسلام، غیب و ملکوت، سیر و سلوک، حالات عرفانی، صفای درون و... به کار رفته است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۱۹۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۷۷-۷۸). برخی معاصران نیز در تعریف معنویت گفته‌اند:

- معنویت یا همان امر قدسی، امری واقعی است که لب و لباب ادیان و غایت زندگی انسان است (نصر، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).

- (معنویت) نحوه مواجهه با جهان هستی است که در آن، شخص به‌طور کلی با رضایت باطن زندگی می‌کند (ملکیان، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶).

دو تعریف بالا از نظر واژگان مجمل، کلی و مبهم هستند.

- معنویت یعنی داشتن ارتباط با وجود متعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خم‌های زندگی و تنظیم زندگی بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دائمی در هستی معنادار، سازمان‌یافته و جهت‌دار الوهی (قاسم‌پور دهاقانی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۷۸).

- معنویت حالت نفسانی و ذومراتبی است که در ارتباط با خدا یا امر متعالی، در روان خودآگاه و ناخودآگاه آدمی از طریق تعقل، جوشش درونی و عمل بیرونی آگاهانه یا ناآگاهانه پدید آمده و بر شیوه نظر و عمل او تأثیر می‌گذارد (ناصری، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

پیش از جمع‌بندی معنای اصطلاحی معنویت، لازم است به چند نکته توجه شود:

یک) ابهام در برخی تعریف‌ها (مانند تعریف به مواجهه با امر قدسی، یا ساکن شدن روح القدس در فرد یا لب و لباب ادیان). درحالی که طبق قواعد علم منطق، تعریف باید روشن باشد.

دو) در اکثر تعریف‌ها، معنویت را جدا از مبانی اعتقادی، منطقی و صحیح تعریف نموده‌اند که معنویت در برخی موارد به ضد خود منجر گردد. بسیاری از حالات روحی تنها به واسطه برخی تغییرات در فیزیولوژی بدن رخ می‌دهد؛ تا آنجا که تعدادی از فیلسوفان غرب، حالاتی را که بر اثر استعمال مواد مخدر برای افراد رخ می‌دهند، حالات معنوی و چنین مشاهداتی را مکاشفات عرفانی می‌خوانند (استیس، ۱۳۸۴، ص ۱۹-۲۰). درحالی که این حالات جز توهم، واقعیت دیگری ندارند.

سه) در برخی تعریف‌ها، معنویت با بهداشت روانی و آرامش قلبی و... یکسان تلقی شده

است. درحالی که این موارد از آثار مشترک بین معنویت و غیر آن است و تعریف به آن، تعریف به اعم بوده و صحیح نیست.

چهار) زندگی معنوی با زندگی معنادار متفاوت است. زندگی معنادار، انسان را از زندگی پوچ و بی هدف و سرگشتگی می رهاند و به معناداری جهان و زندگی انسانی رهنمون می سازد. بنابراین هر زندگی معنوی ای معنادار است، اما هر زندگی معناداری لزوماً معنوی نیست.

با توجه به نکات یادشده و معنای لغوی آن (قصد، خضوع) و توصیف های متون دینی از معنویت، می توان معنویت را به صورت زیر تعریف نمود:

معنویت، مرتبه ای از ارتباط درونی آگاهانه همه ابعاد وجودی، همراه با کشش و جذب به امور متعالی و عوالم غیبی است که برخاسته از بینش و انتخاب صحیح و منطقی، بندگی خدا و طهارت اخلاقی و نتیجه آن، یافتن نگرشی الهی به هستی و حیاتی محبت آمیز با اولویت دادن به ارزش های متعالی است.

نکات مهم در این تعریف عبارتند از:

- تشکیکی بودن معنویت؛
 - همه جانبه بودن معنویت نسبت به تمام ابعاد وجودی؛
 - نتیجه معنویت بودن رسیدن به نگرشی الهی به هستی و حیاتی آمیخته با محبت و ارزش های متعالی انسانی؛
 - همراهی معنویت متعالی با شناخت و بینش صحیح و معتبر.
- معنویت به منزله یکی از مهم ترین لایه های زندگی، نمی تواند با شک و تردید کلی (نه شک جزئی) همراه باشد. بنابراین هر قرائتی از معنویت که مستلزم نسبییت، شکاکیت، کثرت گرایی معرفتی، نفی یقین، اجتماع نقیضین و... باشد، باطل است. معنویتی که بر اصول عقلانی استوار نباشد یا معارض آن باشد، تأثیری فراتر از آرامش موقت ندارد.

امام خمینی علیه السلام در توصیفی که در مورد معنویت دارند، ذهن را به ویژگی های فوق توجه داده اند:

معنویت، مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال، منطقی و صحیح را در انسان به وجود می آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب آوری پیش ببرد. این حالت درونی به واسطه زمینه سازی های مختلف در انسان پدید می آید و بسته به شدت و ضعف آن، سرعت و میزان قرب الی... تحقق می یابد. وجه غالب اساسی در معنویت، توجه به خدا و انجام عمل برای اوست. هم در نیت و هم در عمل، خدا را حاضر و ناظر دانستن، معنویت است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۸).

رهبر معظم انقلاب نیز مراد از معنویت را اخلاص، توکل، اعتقاد به عالم ملکوت و ماوراء، اراده و مشیت الهی در امور، تکلیف‌مداری، اهل توسل بودن، اهل استمداد از خدا بودن، اهل عبادت و پایبندی به شریعت بودن دانسته‌اند (بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام).

- امتیازات معنویت اسلامی

معنویت در ادیان مختلف به گونه‌های متفاوتی مطرح شده و طبق مبانی اعتقادی آنها ویژگی‌هایی دارد که از جمله آنها جدا بودن معنویت از وحی و آموزه‌های وحیانی و تحت تأثیر تفکرات سلیقه‌ای و شخصی بودن و نیز عدم جامعیت نسبت به ابعاد زندگی و منحصر در عبادات شخصی و خلوت با خداوند می‌باشد. اما معنویت در دین اسلام به لحاظ جهان‌بینی و مبانی فکری اسلام و نیز اتصال محکم به وحی و تفسیرهای معصومانه وحی توسط پیامبر و اهل بیت ایشان، امتیازات ویژه‌ای دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) ابتناء بر معرفت

معنویت اسلامی مبتنی بر معرفت است؛ چراکه معنویت در ابتدای شکل‌گیری از مبانی اعتقادی و دریافت‌های عقلانی و فطرت سرچشمه می‌گیرد و در ادامه نیز موجب معرفت‌های جدید می‌گردد. از این رو نوع اعتقاد به خدا، صفات و افعال او و نیز نوع باور به جهان هستی و ابعاد وجودی انسان، در شکل‌گیری معنویت نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «هر کس به خدا ایمان دارد، معتقد است که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد و به هر چه اراده نماید حکم می‌کند و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فایق آید و یا حکم او را به تأخیر اندازد» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۱، ص ۲۵۱).

ب) وحیانی بودن

معنویت اسلامی ریشه در آیات قرآن و کلمات معصومین دارد. دستورات معنوی اسلام، از متون مصون از خطا و تحریف اقتباس شده‌اند. اما اکثر مکاتب عرفانی بر کلمات و بافته‌های انسان‌های غیر معصوم استوار است. آموزه‌های معنوی اسلام، با تمسک به ادله محکم تأمین می‌شود. اولین چالش معنویت‌های بریده از معصومان، نحوه تعیین صدق گزاره‌های تأمین‌کننده معنویت است. به عبارت دیگر، ارزش و اعتبار معنویت در هر دین، نسبتی مستقیم با ارزش و اعتبار آن دین دارد.

ج) جامعیت

معنویت اسلامی، جامع تمایلات دنیوی و اخروی انسان است و خواسته‌های او را سرکوب یا نادیده نمی‌گیرد. بلکه به ساماندهی آنها براساس هدف خلقت و فطرت انسان می‌پردازد (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷، ص ۴۳۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱-۱۳۳). معنویت اسلامی متصل به خانواده، اجتماع، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و تمام مؤلفه‌های مورد نیاز زندگی انسان است. از این رو برخی از

مؤلفه‌های معنویت اسلامی عبارتند از: عبودیت، شریعت‌مداری، جهاد، عدالت‌گرایی و روحیه انقلابی و امر به معروف و نهی از منکر.

اما برخی از معنویت‌ها، نظیر معنویت مسیحی، سکولار و رابطه آن با سیاست، فرهنگ و تعلیم و تربیت منقطع می‌باشد و تنها وظیفه آن، آرامش دادن و تخدیر اعصاب کسانی است که توجیهی برای زندگی کردن ندارند.

د) حرکت‌بخشی

امتیاز معنویت اسلامی، نفی رهبانیت و انزوای باطل است. لازمه معنویت، حضور در جامعه و احساس مسئولیت درباره شئون مختلف آن است که با سکوت و بی‌تفاوتی منافات دارد. از این رو دوران حکومت پیامبر اکرم و امام علی علیه السلام اکثراً به جهاد و تغییر مناسبات داخلی و خارجی مصروف شد و بقیه ائمه علیهم السلام نیز از جهت کنار نیامدن با حکام طاغوتی در حصر، زندان و... بودند. امروزه معنویت در غالب ادیان، عنصری حرکت‌بخش و حاضر در رویدادهای اجتماعی و سیاسی نیست. بلکه منزوی و محدود به عرصه‌های فردی و درونی می‌باشد و غالباً در قبال اتفاقات و جنبش‌های مختلف اجتماعی و سیاسی منفعلانه عمل می‌کنند.

ه) معنویت بر مدار محبت

یکی از قوانین عمومی خلقت، قانون جذب و دفع است. به گفته ابن‌سینا «هریک از موجودات به واسطه جنبه وجودی که در اوست، همیشه شایق به کمالات و خیرات است و از بدی‌ها گریزان» (ابن‌سینا، ۱۳۱۸، ص ۴-۵)؛ چنان‌که در نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، جهان یکپارچه در شور و غوغا برای رسیدن به مراتب بالاتر هستی در تکاپوی خستگی‌ناپذیر است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۱). در وجود انسان، نعمت عظیمی به نام محبت وجود دارد که در بعد گرایش به کمالات معنوی، به شدت انسان را حرکت می‌دهد. محبت الهی سبب معنویت اسلامی می‌باشد؛ چنان‌که معنویت نیز موجب محبت الهی می‌شود و رابطه متقابلی باهم دارند از این رو هر کدام عمیق‌تر می‌شود، موجب سطح بالاتری از دیگری می‌گردد.

و) معرفت‌افزایی

بیشترین دغدغه معنویت‌های مادی، فراهم آوردن نوعی آرامش اعصاب و دوری موقت از رنج‌های دنیاست. اما برای پرسش‌های بنیادین انسان درباره حقیقت انسان و جهان هستی، پاسخی معرفت‌بخش ندارند. در حالی‌که معنویت تشیع، پرده‌ها را از قلب انسان کنار می‌زند و ظرفیت شهودی انسان را توسعه می‌دهد و او را از علم‌الیقین به عین‌الیقین و حق‌الیقین می‌رساند و شروعی برای شهود مراتب عالم هستی است. در حدیث قرب نوافل آمده است: «به‌درستی که بنده به‌وسیله نافلة به من تقرب جوید، تا آنجا که من دوستش دارم، و چون دوستش دارم، آنگاه گوش او شوم که



بدان بشنود، و چشمش شوم که بدان ببیند، و زبانش گردم که بدان بگوید، و دستش شوم که بدان بر گیرد. اگر بخواندم، اجابتش کنم و اگر خواهشی از من کند، به او بدهم» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

۲. مفهوم‌شناسی ولایت تکوینی

۲-۱. ولایت در لغت

ولاء، ولایت، ولی، از ماده (ول-ی) اشتقاق یافته و معنای اصلی آن، قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است. به معنای حاصل شدن شیئی (بدون فاصله) بعد از شیء نیز آمده است (فیومی، ۴۰۵ق، ص ۶۷۲؛ ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۱۲). به همین مناسبت، طبعاً این کلمه در باره قرب و نزدیکی، اعم از قرب مکانی و قرب معنوی به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶م، ص ۸۸۵).

۲-۲. ولایت تکوینی در اصطلاح

ولایت در علوم مختلفی نظیر فلسفه، کلام و عرفان تعریف و تبیین شده است. صدرالمتألهین شیرازی، ولایت را به معنای قرب به حق تعالی و فناء در خداوند گرفته، اما اصل ولایت را شناخت شهودی و برهانی به خدا و صفات و آیات او دانسته است (صدرای شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۴۸۴). علامه طباطبایی نیز ولایت تکوینی را به معنای قربی دانسته‌اند که موجب تصرف و مالکیت در تدبیر است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۶، ص ۱۱۲). ایشان در جای دیگر، ولایت را واپسین کمال حقیقی انسان و هدف نهایی تشریح شریعت حقه الهی قلمداد نموده است (همو، ص ۴).

برخی نیز در حالی که حقیقت ولایت تکوینی را قرب به خداوند دانسته‌اند، به جهات دیگری از ولایت تکوینی، نظیر تسلط بر ضمائر و شهادت بر اعمال اشاره نموده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۸۵). با توجه به تناسب معنای اصطلاحی ولایت تکوینی با معنای لغوی، معنای آن عبارت است از: «تقرب ویژه به خداوند متعال در اثر عبودیت خالصانه که این تقرب مستلزم علم و آگاهی خاص به خداوند و صفات و افعال او و نیز ملازم با قدرت تصرف در عالم وجود و مالکیت تدبیر به اذن خداوند می‌شود».

براساس تعاریف مختلف، صاحب ولایت تکوینی دارای چهار ویژگی است:

الف) تقرب و معنویت بسیار به خدا؛

ب) علم و آگاهی ویژه به عالم هستی و انسان‌ها؛

ج) مسلط بر ضمائر و شهادت بر اعمال؛

د) سرپرستی موجودات و تصرف عینی در آنها؛ هرچند سه ویژگی اخیر، از آثار قرب الهی

می‌باشد (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹، ص ۷).

۳. ارتباط اصل معنویت با باور به مقام ولایت تکوینی اهل بیت

رسالت پیامبران و نیز اهل بیت علیهم السلام صرفاً برای آبادانی و بهبودی زندگی دنیوی نیست. بلکه اصولاً آنها خودشان از قربان درگاه الهی بوده و در معنویت سرآمد می‌باشند. لذا تلاش آنها برای تقرب بشریت به سوی خداوند متعال و جریان دادن معنویت حقیقی و متعالی بر تمام شئون زندگی انسان‌هاست.

از جمله ویژگی‌های ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام، تقرب و معنویت فوق‌العاده آنان به خداوند متعال است. طبق فرموده قرآن کریم، ایشان چنان متوجه و متقرب به خداوند هستند که نه تجارت آنان را از یاد خدا و نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد و نه خرید و فروش.

مردانی که هیچ داد و ستد و هیچ معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت [مالیات] زکات (غافل و) سرگرمشان نمی‌سازد (و) از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شود (نور (۲۴)، ۳۷).^۱

با این توصیف، اعتقاد به ولایت تکوینی آن بزرگواران، نخست اینکه خودش امری معنوی است و آثار معنوی دارد و نوع نگاه انسان را به عالم معنی و نیز عالم واسطه بین خدا و جهان آفرینش متغیر می‌سازد و ارتقاء می‌دهد؛ چنان‌که در زیارت جامعه کبیره آمده است:

و خدا به -خاطر شما بگشاید و به شما ببندد و به شما آنچه بخواهد محو کند و پابرجا نماید و به شما، رشته خواری را از گردن ما باز کند و انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است به شما بگیرد. به شما زمین درختانش را برویاند و به شما زمین میوه‌هایش را بیرون آورد (کلینی، ۴۰۷، اقی، ج ۹، ص ۳۱۲).

دوم اینکه مستلزم توجه به شاهراهی مهم در سبک زندگی فردی و اجتماعی می‌شود که آن اصل معنویت است. در واقع معنویت‌گرایی خاص شیعیان در سبک زندگی می‌تواند برگرفته شده از اعتقاد به ولایت تکوینی اهل بیت به‌عنوان قربان درگاه خدا و الگوهای کامل بشریت باشد. سوم اینکه یکی از معیارهای ارزیابی رسیدن به درجات عالی معنویت، برخورداری از ولایت تکوینی است؛ چراکه ولایت تکوینی نقطه اوج معنویت می‌باشد که مصداق کامل آن، اهل بیت علیهم السلام می‌باشند.

چهارم، اینکه یکی از جهات معنویت، توسل به شخصیتی متعالی است که در پرتو عبودیت خداوند، به باطن عالم دسترسی داشته و اصطلاحاً واسطه فیض در عالم هستی باشد و بتواند در

۱. طبق روایات اهل بیت علیهم السلام، مقصود از رجال در آیه شریفه، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، اقی، ج ۲، ص ۴۸).

حوایج و مشکلات بزرگ و کوچک، به اذن الله دستگیری نماید.

پنجم اینکه پابندی به شریعت به عنوان اصل اساسی معنویت، در صورتی قابل تکیه و استمرار است که صاحبان ولایت تشریحی، به باطن و سریره جهان نیز دسترسی داشته باشند و تشریح با تکوین همراه و مطابق باشد.

ششم اینکه اگر صاحب ولایت تکوینی (با مشخصه تقرب الهی) حاکمیت جامعه را به دست داشته باشد و عموم افراد جامعه نیز چنین اعتقادی به امام داشته باشد، معنویت بر سطوح جامعه به نحو مطلوبی منتشر و حکم فرما خواهد شد.

درواقع، ولایت تکوینی اهل بیت (علیهم السلام) علت فاعلی و علت غایی معنویت می باشد. بنابراین جامع ترین الگوی معنویت، در سیره نظری و عملی آنان تجلی می نماید و هر گونه معنویت حقیقی تنها از طریق ایشان حاصل می گردد؛ چنان که در بیان امام هادی (علیه السلام) آمده است: «و هر کس از آنها (اهل بیت (علیهم السلام)) پیش افتد، از دین خارج است و عقب مانده از آنها، نابود است و همراه آنها [به حق] پیوسته است» (قمی، ۱۳۸۰، زیارت جامعه کبیره).

۴. سبک زندگی

سبک در زبان فارسی به معنای طرز، شیوه و روشی خاص است که هنرمند ادراک و احساس خود را با آن بیان می کند (معین، ج ۲، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱۸). این واژه در زبان عربی با واژه «اسلوب»، «منهج» یا «نمط» آمده است. لغت سیره نیز به واژه سبک نزدیک است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۵۳). در قرآن کریم واژه های منهاج (مانده (۵)، ۴۸)، شرعه (همان)، سنه (فتح (۴۸)، ۲۳) و طریق (طه (۲۰)، ۱۰۴) به واژه سبک نزدیک می باشند.

تعریف های متعددی برای سبک زندگی گفته شده که براساس مبانی فکری، اختلافات فاحشی با یکدیگر دارند. لکن مقصود از سبک زندگی در مبحث حاضر، عبارت است از: روش ثابت، منسجم و متناسب با غایت خاص در زندگی انسان که در عموم نگرش ها، گرایش ها، رفتارها و اخلاقیات زندگی فردی یا اجتماعی برای نیل به اهداف به کار گرفته می شود.

۵. معنویت در سیره و گفتار اهل بیت (علیهم السلام)

معنویت در اثر اعمال، اخلاق و رفتار مشروط به عقاید حقه در زندگی انسان پدید می آید. هدف اصلی از ارسال انبیاء الهی و امامان، سوق دادن انسان ها به سمت معنویت و دادن رنگ الهی به زندگی و حیات انسان هاست و این مهم در سیره و سبک زندگی آنها به وضوح قابل مشاهده است. براساس این تعریف، معنویت ابعاد مختلفی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد داشت که در این مجال به آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. معنویت در زندگی فردی

معنویت در زندگی فردی به معنای درون‌گرایی و قطع ارتباط با محیط پیرامون نیست. بلکه مقصود از آن، ارتباط با عالم غیب و پاک‌سازی درونی در عرصه فردی و شخصی است؛ چراکه انسان دارای حالات متفاوتی از زندگی، از جمله حالات درونی و فردی است. در برخی از روایات، حالات مختلفی را برای انسان عاقل در نظر گرفته‌اند که از جمله آن ساعات، ساعت ارتباط و مناجات با خداوند است:

فرزندم، مؤمن در فعالیت‌های خود بایست سه زمان را قرار دهد؛ زمانی که در آن با خدا مناجات می‌کند، زمانی که در آن به حساب‌کشی از نفس می‌پردازد و زمانی که آن را برای لذت حلال و آراستگی خود خالی کند و مؤمن را گریزی نیست که در سه کار حضور داشته باشد: اصلاح امور معاش، گام برداشتن برای آخرت یا لذت‌های حلال (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۰).

این‌گونه تقسیم را در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام نیز مشاهده می‌کنیم؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در جواب عنوان بصری که خواستار بهره‌گیری علمی از امام بود فرمودند: «من تحت مراقبتم که علاوه بر این، در هر ساعت از شبانه‌روز ادکاری دارم که به آنها مشغول هستم. پس مرا از عبادتم غافل نکن...» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۴).

در ادامه به برخی از مصادیق بارز معنویت در عرصه فردی اشاره می‌شود:

یاد خدا

آغاز و انجام معنویت در اسلام، به خدا و یاد او ختم می‌شود. اولین قدم در معنویت اسلامی، پذیرش موجودی برتر و تأثیرگذار تام در زندگی انسان و عالم هستی می‌باشد. یاد خدا مراتبی دارد که مرتبه ضعیف آن سازنده معنویت در مرتبه پایین و مرتبه قوی آن نتیجه معنویت در مرتبه بالاست و به همین صورت ادامه دارد.

ذکر خدا و یاد خدا که هدف عبادت است، دل را جلا می‌دهد و صفا می‌بخشد و آن را آماده تجلیات الهی قرار می‌دهد. امام علی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «خداوند یاد خود را صیقل دل‌ها قرار داده است، دل‌ها بدین وسیله از پس‌کری، شنوا و از پس‌نابینایی، بینا و از پس‌سرکشی و عناد، رام می‌گردند...» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۲۲).

از این جهت، اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها دعوت‌کننده و مشوق مردم به ذکر و یاد خداوند متعال بودند، بلکه خودشان الگوی کاملی از راز و نیاز و توجه به خدا بودند؛ چنان‌که حضرت سجاد علیه‌السلام از کثرت مناجات، سجده و ذکر خدا، لقب زین‌العابدین را دارد.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «هر چیزی حد و اندازه‌ای دارد، جز ذکر و یاد خدا که هیچ حد و مرزی برای او نیست». سپس فرمود: «پدر من، امام باقر (علیه السلام) کثیرالذکر بود و بسیار ذکر می‌گفت. هر وقت با او راه می‌رفتم، ذکر خدا می‌گفت. به هنگام غذا خوردن نیز به یاد خدا بود. حتی هنگامی که با مردم سخن می‌گفت، از ذکر خدا غافل نمی‌شد...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹۹).

اخلاص

إخلاص به معنای پاک کردن نیت از غیر خدا و تنها انجام دادن عمل برای خداست (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۲۸). اخلاص، اکسیر نابی است که عبادت را قابل عرضه در پیشگاه الهی می‌کند. اخلاص حاصل از معنویت، از اخلاص در عبادت و نفی ریا شروع می‌شود و تا مرتبه مخلصین (به فتح لام) ادامه می‌یابد که تمام رفتارها و احساسات و عواطف انسان بر رضایت خداوند استقرار می‌یابد. اخلاص از یکسو نشان‌دهنده توجه تام انسان به خدا و از جهتی نشانه غناء شخصیت انسان نسبت به غیر خداست.

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که بهترین بندگان خدا روی زمین هستند، بالاترین درجه از اخلاص را در همه ابعاد زندگی خود دارند. گفتار و رفتار آنان، همگی برخاسته از روح اخلاص و نیت پاک می‌باشد. ایشان سخت‌ترین اعمال را با کمال میل و رغبت و تنها برای خشنودی پروردگار انجام می‌دهند و در این راه، هیچ چشم‌داشتی به دیگران ندارند. قرآن کریم به برخی از رفتارهای خالصانه ایشان اشاره کرده است:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»؛

و از مردم کسی هست که جان خویش را در طلب رضای خدا می‌فروشد [بذل می‌کند] و خدا به بندگان مهربان است (بقره ۲، ۲۰۷).

ابن ابی‌الحدید گفته است: «تمام مفسران گفته‌اند این آیه درباره علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نازل شده است که در لیلۃ‌المبیت در بستر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خوابید. این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آن را انکار نمی‌کند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۶۲).

توسل

«وسیله» در اصل به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود می‌باشد. آیاتی از قرآن بر اهمیت و جایگاه توسل دلالت دارد که به آن اشاره می‌کنیم. توسل به درگاه خداوند، مهم و مایه رستگاری است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید، و در راه او جهاد کنید. باشد که رستگار شوید (مائده ۵، ۳۵).

وسيله در آيه فوق معنى بسيار وسيعى دارد و شامل هر امر نزديك كننده به پيشگاه مقدس پروردگار مى شود كه مهم ترين آنها ايمان به خدا و پيامبر اكرم ﷺ و جهاد و عبادات، همچون نماز و زكات و روزه و.. است. امام على عليه السلام فرموده است:

برترين وسيله اى كه متوسلان به خدا به آن توسل مى جويند، ايمان به خدا و پيامبر ﷺ اوست و جهاد در راه خدا كه قلّه رفيع اسلام است و كلمه اخلاص (و شهادت به يگانگى خدا) كه هماهنگ با فطرت انسانى است، و برپا داشتن نماز كه حقيقت دين و آيين است... (شريف رضى، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱، ص ۱۶۳).

شفاعت پيامبران و امامان عليه السلام و بندگان صالح خدا كه طبق صريح قرآن باعث تقرب به پروردگار مى گردد، داخل در مفهوم وسيع توسل و همچنين پيروي از پيامبر و امام و گام نهادن در جاي گام آنهاست؛ زيرا همه اينها موجب نزديكى به ساحت قدس پروردگار مى باشد. حتى سوگند دادن خدا به مقام پيامبران و امامان عليه السلام و صالحان كه نشانه علاقه به آنها و اهميت دادن به مقام و مكتب آنان مى باشد، جزء اين مفهوم وسيع است.

در حقيقت، صاحبان ولايت تكوينى، يعنى اولياء الهى همان گونه كه در قوس نزول وسائط فيض هستند، در قوس صعود هم واسطه عروج هستند؛ چون ولى اله مى باشند و واسطه اى بين آنها و خدا نيست.

دعا

دعا در اصطلاح شرعى به معنای روى آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع و کرنش است. دعا به عنوان يکى از راه هاى ارتباط با خدا و برترين عبادت ها در متون دينى مورد تأکيد قرار گرفته (کلينى، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۷) و با تعابيري مانند سلاح مؤمن و نور آسمان و زمين توصيف شده است (همان).

نقش دعا در معنويت، نقشى بسيار ارزنده و قابل توجه است. به گفته يکى از بزرگان، «دعا کليد عطاء و وسيله قرب الی الله تعالى و مخ عبادت و حيات روح و روح حيات است. دعا سير شهودى و کشف وجودى اهل کمال و تنها رابطه انسان با خداى متعال است. دعا واسطه اسم اعظم گرديدن انسان و دست يافتن به کنوز قرآن و دارا شدن رموز تصرف طبایع اجرام و ارکان است. دعا کاسر قلب و جابر آن به "انا عند المنکسره قلوبهم" است» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۱، ص ۹).

يکى از برجسته ترين رفتارها در سبک زندگى اهل بيت عليه السلام كه منشأ تعليمات و نقش الگويى ويژه اى در نهادينه نمودن معنويت در جامعه دارد، مناجات، دعا و تضرع در درگاه الهى است. اهل بيت عليه السلام هم دعوت كننده به راز و نياز بودند و هم خود الگوى راز و نياز هستند.

دعا در سبک زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام)، افزون بر اینکه وسیله ابراز عشق به خداست، روشی مهم و تأثیرگذار برای تعلیم و تربیت و تعالی بخشیدن به روح آدمی در ساحت‌های فردی و اجتماعی است. مجموعه تعالیم دینی و آموزه‌های تربیتی و دانش‌های الهی که در متون دعایی مطرح گردیده، در جهت پرداختن به دو اصل مهم «تربیت» و «تعلیم» و آموختن دانش و بینش براساس باورهای اسلامی است. با بررسی توصیفی - تحلیلی سبک زندگی ائمه هدی (علیهم‌السلام) تأثیراتی حاصل می‌شود که عبارت از موارد زیر است:

- (الف) خداشناسی، خودشناسی، مسئولیت‌شناسی آدمی را تقویت می‌کند.
- (ب) دعا موجب افزایش احساس آرامش، تقویت دل‌بستگی به خدا، بالا بردن احساس حرمت خود و رشد و تعالی می‌گردد.
- (ج) دعا منشأ اصلاح رفتار خیررسانی و شفابخشی و روشنایی دل و عامل پیدایش بصیرت است.
- (د) دعا به معنای هم‌صدا شدن انسان است با ذرات عالم وجود از جهت ابراز افتقار و تعلق به مبدأ فیاض.

قرائت قرآن همراه با توجه به محتوای آن

قرآن کریم یکی از منابع غنی و سرشار از معنویت در زندگی انسان محسوب می‌شود. حتی درجات بهشت نیز براساس تعداد آیات قرآن تقسیم شده است و هر کس هر مقدار که با قرآن آشنا باشد، درجات بهشت را طی می‌کند.

برای تلاوت قرآن کریم، "فضایل، آثار و فواید" دنیایی و آخرتی فراوانی در روایات بیان شده است: باروری ایمان، صفای دل، تخفیف گناهان، عبادت برتر، برخورداری از ثواب فرشتگان و پیامبران، هم‌نشینی با فرشتگان، پیمودن درجات کمال و ترقی در بهشت، درمان بیماری‌های روحی، رفع غم و اندوه، روشنایی دیدگان، مونس تنهایی، عمر با برکت، استجاب دعا، صفای خانه، رفع عذاب از پدر و مادر و... (راوندی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

از آنجاکه تلاوت قرآن، سخن محبوب برای انسان است، از طرفی لذت‌بخش و از طرفی هم الهام‌بخش برای رد شدن از موانع و رسیدن به کمال نهایی است.

۱-۶. زهد

حقیقت زهد در فرهنگ اسلام آن است که آدمی اسیر دنیا و مظاهر آن نگشته و در عین بهره‌مندی از آن، امیر و حاکم بر آن باشد. زهد دل‌کندن از دنیا و پرهیز از آمال و آرزوهایی است که تعلق به آنها انسان را زمین‌گیر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۱۷۸).

نقش زهد در معنویت، توجه دادن انسان به باطن عالم و صرف نظرکردن از ظواهر پر زرق و برق

دنیاست. بنابراین زهد انسان را به هسته معنویت راهبری می‌کند و بدون آن، انسان نمی‌تواند به بارگاه معنویت راه یابد.

معنویت در زندگی خانوادگی

خانواده معنوی، کانون خداشناسی، صفا، صمیمیت و معنویت است و زن و شوهر یکدیگر را در این مسیر متعالی یاری می‌کنند. از این رو هر چند اهدافی نظیر ارضاء غریزه جنسی، آرامش، ازدیاد نسل و... برای ازدواج بیان شده است، لکن غایت نهایی زندگی موفق، رضایت خداوند و قرب معنوی می‌باشد.

معنویت در زندگی خانوادگی به گونه‌ای ترسیم شده است که مبتذل‌ترین اعمال (مانند ارتباط جنسی زوجین) می‌تواند با نیت و انگیزه خدایی باشد و به‌عنوان یک مستحب تلقی شود و انسان را به خداوند نزدیک سازد. انسان مؤمن، به نام خدا و اذن پروردگار باهم ازدواج می‌کنند و نیازهای زیستی، جسمی و روحی را هم برآورده می‌سازند. حفظ و افزایش معنویت در زندگی خانوادگی موجب آرامش و صفا و حذف عوامل اضطراب‌آفرین می‌گردد.

انمه هدی ﷺ در سخن و سبک زندگی خویش بر معنویت در خانواده از ابتدای شکل‌گیری در جهات متعدد تأکید زیادی داشتند. اگر تأکیدات آنان در غالب‌های مختلف موعظه، رفتار، دعا و... نبود، هیچ معنویتی در خانواده شکل نمی‌گرفت و باقی نمی‌ماند و استقرار نمی‌یافت. در ادامه، به برخی از عوامل بارز معنویت خانواده اشاره خواهد شد.

تشکیل خانواده براساس دستور و روش الهی

شکل‌گیری خانواده چون به فرمان الهی بوده و با روشی بوده که خدای متعال مقرر فرموده، موجب پایه‌ریزی معنویت و توجه به اعتقادات و اخلاق الهی و توجه به اهداف مقدس ازدواج می‌باشد و موجب امداد الهی در عرصه‌های مختلف زندگی می‌شود. از این رو پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

ازدواج سنت و روش من است و هر کس از سنت من روی بگرداند، از من نیست (مجلسی،

۱۳۶۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰).

همچنین فرمودند: «هر کس ازدواج کند، نصف عبادت را به‌دست آورده است» (همان).

از این رو اهل بیت ﷺ نیز هم در سیره خود به ازدواج اهمیت زیادی می‌دادند و هم در گفتار خود به آن توصیه می‌نمودند.

رعایت اخلاق و فضیلت

انسان بالفطره دوست‌دار فضایل اخلاقی است. معنویت پشتوانه اخلاق بوده و انسان را به اصول

اخلاقی پایبند نموده و در برابر محرومیت‌های مادی به او قدرت تحمل می‌دهد.

اهل بیت (ع) در پرتو معنویت برآمده از ولایت الهی، در زندگی با همسران و خانواده خود، اخلاق و رفتار کریمانه داشتند؛ اخلاق و رفتاری که هم بیانگر کرامت انسانی زنان - به‌طور عموم - است و هم گویای کرامت همسر، خانه و خانواده.

رسول خدا فرمود: «بهترین شما، بهترین شما با خانواده است و من بهترین شما با خانواده هستم» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱).

حضرت علی (ع) درباره چگونگی برخورد با همسرش می‌فرماید:

به خدا سوگند! هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود و او را به هیچ کاری مجبور نکردم... او نیز هرگز مرا خشمگین نکرد و بر خلاف میل باطنی من، قدمی برنداشت (اربلی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶۳).

روز عاشورا، هنگامی که هلال بن نافع عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می‌گریست. امام حسین متوجه او گردیده و به هلال فرمود:

همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد. تو آزادی و می‌توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۷).

رعایت تقوا و پرهیزکاری

از جمله آثار معنویت، صیانت انسان از خطرات در طریق سلوک به سوی خداست. جذبه حاصل از معنویت باعث می‌شود تا هر عامل تهدیدکننده معنویت بی‌ارزش تلقی شود. انسان با تقوا و مؤمن در بلاها و سختی‌ها از آرامش روانی برخوردار است: «آنان که ایمان آورده‌اند و دلشان با یاد خدا آرامش می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد» (رعد (۱۳)، ۲۷).

از مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی و دینی در سیره علمی و عملی معصومان، «تقوا» است؛ زیرا از يك سو تأمین‌کننده بهداشت و سلامت روانی خانواده و از سوی دیگر، عامل مهمی در پیش‌گیری از آسیب‌های روحی و روانی در محیط خانواده می‌باشد.

دعوت قرآن و همه انبیا و اوصیای به‌حق آنان، دعوت به «تقوا» است. خداوند در قرآن فرموده است: «و اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، البته بر آنها [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را می‌گشودیم و لیکن [آنها] تکذیب کردند. پس [ما نیز] آنها را به سبب آنچه می‌کردند، بگرفتیم» (اعراف (۷)، ۹۶).

یعنی بین ایمان و تقوا و نزول برکات الهی - که زندگی بدون مشکلات روحی و روانی از موارد

برجسته برکات الهی است - و بین ترك تقوا و قطع رحمت و برکات الهی و گرفتار شدن به آسیب‌ها، تلازم وجودی برقرار است.

رعایت عدالت و انصاف

یکی از مصادیق بارز معنویت در خانواده، رعایت عدالت و انصاف است؛ زیرا رفتار انصاف‌آمیز تنها از انسانی صادر می‌شود که روح معنوی مخصوصی در خود داشته باشد. امام صادق می‌فرماید: «عادل‌ترین مردم کسی است که آنچه را برای خود می‌پسندد، برای مردم نیز پسندد و آنچه را بر خود روا نمی‌دارد، بر مردم نیز روا ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۵، ص ۳۵).

درواقع، مصداق این حدیث کسانی خواهند بود که زندگیشان سرشار از معنویت باشد و تقوا بر اعمال آنها سایه افکننده باشد.

در حوزه خانوادگی، خداوند دستور می‌دهد که نسبت به حقوق زنان عدالت را مراعات نمایند (نساء (۴)، ۱۲۷) و همه حقوق ایشان را براساس آن پرداخت نمایند؛ زیرا عدالت در خانه، به‌ویژه در مسائل مالی و نفقه موجب می‌شود تا عنصر گرایشی در میان اعضای خانواده تقویت شود و مهر و محبت و در نتیجه آن احسان و ایثارگری در میان آنان رشد یابد.

لزوم رعایت عدالت در میان زنان متعدد از سوی شوهر (نساء (۴)، ۳) و پرداخت مهریه به همسر هنگام مطالبه آن (نساء (۴)، ۴) و اکتفا و بسندگی به یک همسر یا بهره‌گیری از کنیزان برای جلوگیری از ظلم و ستم و انحراف از عدالت (نساء (۴)، ۳)، از جمله آموزه‌های قرآنی در حوزه عدالت در خانواده است.

معنویت در زندگی اجتماعی

قوام اجتماع انسانی تنها به تأمین حوائج مادی و دنیوی تکیه ندارد. بلکه صدها برابر بیشتر از این، به هویت، معنویت و مسائل باطنی وابسته است. در ابعاد وجودی، معنویت نیاز فطری انسان است و بعد مادی انسان در کنکاش طبیعت و چگونگی استفاده بیشتر از دنیاست تا نیازهایش را تأمین کند.

براساس تعریف معنویت که قبلاً گذشت، معنویت با تمام ابعاد وجودی انسان، از قبیل فردی، اجتماعی، سیاسی و... در ارتباط است و تمام آنها را باید سیراب کند. از این‌رو آگاهی به عوامل به‌وجود آورنده معنویت و تقویت‌کننده آن و نیز عوامل سایش و کاهش معنویت و امکان‌پذیر شدن محاسبه میزان و سطح تغییرات معنویت در طول حرکت، بسیار مهم و حساس بوده و بی‌شک، نبود آگاهی و کاهش ذخیره معنوی می‌تواند لغزش‌گاه‌ها و پرتگاه‌های بسیار خطرناک را در مسیر حرکت یک نظام، به‌ویژه مسئولان آن ایجاد نماید. بنابراین باید جاده‌های معنویت از عوامل سایش پاک‌سازی شده و مسیر کسب معنویت، هموارتر گردد.

در این مجال، به برخی از عوامل مؤثر در معنویت اجتماعی اشاره می‌شود:

اجتماع حول محور حاکمیت صاحب ولایت تکوینی

معنویت در جامعه در صورتی ایجاد می‌شود و به سطوح مختلف اجتماع سرایت می‌نماید که این معنویت به‌نحو کاملی در رأس و هرم جامعه وجود داشته باشد. این معنویت نیز از حقیقت ولایت تکوینی که تقرب خاص به خداوند متعال است ناشی می‌گردد. بنابراین اگر صاحب ولایت تکوینی، حاکمیت جامعه را به‌دست داشته باشد و عموم افراد جامعه نیز به امام چنین اعتقادی را داشته باشد، معنویت بر سطوح مختلف جامعه به‌نحو مطلوبی حکم‌فرما خواهد شد.

امام باقر (علیه السلام) به ابو خالد کابلی فرمودند:

به خدا که ائمه دل‌های مؤمنین را منور سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشان را پنهان دارد، پس دل آنها تاریک گردد. به خدا ای ابا خالد! بنده‌ای ما را دوست ندارد و از ما پیروی نکند تا اینکه خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد و خدا قلب بنده‌ای را پاکیزه نکند تا اینکه با ما خالص شده باشد و آشتی کرده باشد (یک‌رنگ شده باشد و سازگار) و چون با ما سازش کرد، خدا از حساب سخت نگاهش دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش سازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

البته تأثیر این عامل در زمان حضور امام (علیه السلام) ظهور و بروز ویژه‌ای دارد. اما در زمان غیبت، به شرط توجه مردم نسبت به دستورات امام و پیروی از فقیه جامع‌الشرایط می‌توانند به ثمره این حاکمیت دست یابند.

توجه به اسباب معنویت اجتماعی در کنار تأمین معاش مادی

بعد جسمی انسان در زندگی اجتماعی، امری مهم و غیر قابل انکار است و باید برای تأمین نیازهای آن تلاش وافر انجام داد. در کنار این بعد و مهم‌تر از آن، بعد روحی و باطنی انسان در جامعه است که غفلت از آن، خسارت‌های روحی و روانی بسیاری را در این عالم و عذاب‌های بزرگی را در عالم دیگر در پی خواهد داشت. به همین دلیل، دین مبین اسلام برنامه‌های زیادی را برای پاسخ‌گویی به این بعد تبیین فرموده است. از این‌رو در سیره و گفتار اهل بیت (علیهم السلام)، به برنامه‌های معنوی جمعی اهمیت ویژه داده شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(الف) تأکید بر عبادت‌های جمعی، مانند نماز جماعت، اعتکاف، حج و دعای دسته‌جمعی؛

(ب) مذمت تفرقه و اختلاف و تأکید بر سازش و صلح؛

(ج) تأکید بر دستگیری از فقرا و نیازمندان؛

(د) تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر؛

ه) توجه ویژه به ارتباط داشتن خویشاوندان با یکدیگر؛
و) جهاد و ایثار؛

ز) تکلیف مالی، مانند خمس، زکات و... .

عبادت‌ها و تکالیفی مانند پرداخت خمس و زکات که قصد تقرب در آنها لازم است نیز در حقیقت سرایت دادن معنویت به بخش اقتصادی جامعه محسوب می‌شود.

از زیبایی‌های اسلام این است که دارای دو نوع عبادت است؛ عبادت در خلوت و عبادت در میان مردم و با مردم.

عبادت در میان مردم و با مردم (مانند نماز جماعت، نماز جمعه و مناسک حج)، در حقیقت سرایت معنویت به امور سیاسی است. براین اساس، اجتماع مردم هر محل و منطقه‌ای در مسجد آن محل و منطقه، مطلوب خدا و پیامبر و امامان است.

این اجتماع دارای آثار و برکات فراوانی است. برادران ایمانی و مؤمنان مشفق، هر صبح و ظهر و مغرب در خانه خدا به زیارت یکدیگر نائل می‌گردند و از احوال همدیگر باخبر می‌شوند و درد یکدیگر را درمان می‌کنند و کاستی‌ها و نواقص محل و منطقه را برطرف می‌نمایند و در یک صف واحد برای پیشانی ساییدن به پیشگاه حق و تواضع دسته‌جمعی و عبادت عاشقانه به امامت امامی عادل و باتقوا شرکت می‌کنند.

از رسول خدا روایت شده است که: «ای مردم! شما را به اجتماع و باهم بودن سفارش می‌کنم و از تفرقه و دور افتادن از یکدیگر بر حذر می‌دارم» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۳۱).

در روایت دیگری، جماعت را مایه رحمت و تفرقه را سبب عذاب دانسته‌اند: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (همان، ص ۲۰۲).

درباره نماز جماعت و حاضر شدن در آن و امتناع از حضور در نماز جماعت، روایات متعددی از پیامبر و اهل بیت نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۷۱).

نیاز به رابطه معنوی با خداوند رحیم و کریم، امروز برای مردم دنیا از همیشه حادتر و جدی‌تر است و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مذکور، ابتدا به تعریف صحیحی از معنویت دست یافتیم که عبارت است از: «معنویت، مرتبه‌ای از ارتباط درونی و آگاهانه همه ابعاد وجودی، همراه با کشش و جذب به امور متعالی و عوالم غیبی است که برخاسته از بینش و انتخاب صحیح و منطقی، بندگی خدا و طهارت اخلاقی و نتیجه آن، یافتن نگرشی الهی به هستی و حیاتی محبت‌آمیز و اولویت دادن به ارزش‌های

متعالی است». معنویت با این تعریف، امری ذومراتب (تشکیکی) و فراگیر نسبت به همه ابعاد وجودی انسان بوده و دارای زیرساخت معرفتی محکم و هدف‌های والای انسانی، از جمله قرب به حق تعالی می‌باشد.

از طرفی هم در تبیین ولایت تکوینی، به این تعریف دست یافتیم که: «تقرب ویژه به خداوند متعال، در اثر عبودیت خالصانه است که این تقرب مستلزم علم و آگاهی خاص به خداوند و صفات و افعال او و نیز ملازم با قدرت تصرف در عالم وجود و مالکیت تدبیر به اذن خداوند می‌شود».

با توجه به تعریف معنویت و ولایت تکوینی، نسبت بین معنویت با اعتقاد به ولایت تکوینی اهل بیت (علیهم‌السلام) روشن شد. از جمله ویژگی‌های ولایت تکوینی اهل بیت (علیهم‌السلام)، تقرب ویژه آنان به خداوند متعال است. اعتقاد به ولایت تکوینی آن بزرگواران، در ابتدا خودش امری معنوی است و آثار معنوی دارد و نوع نگاه انسان را به عالم معنی و نیز عالم واسطه بین خدا و جهان آفرینش متغیر می‌سازد و ارتقاء می‌دهد. در حقیقت، اعتقاد به چنین مقامی صرفاً یک مسأله تاریخی نیست و مربوط به زمان گذشته نمی‌باشد. بلکه یک مسأله زنده و زیرساختی اساسی برای معنویت در زندگی کنونی به‌شمار می‌آید. چنین معنویت متعالی می‌تواند تأثیرات عینی و حقیقی بر سبک زندگی در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه (ج ۱۳). بیروت: احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ق). رساله عشق (در رسائل ابن سینا). ترجمه ضیاء الدین دری. قم: بیدار.
۳. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۵). بیروت: دار صادر.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۷۹). کشف الغمة (ج ۱). قم: الشریف الرضی.
۵. استیس، والتر ترنس (۱۳۸۴). فلسفه و عرفان. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: سروش.
۶. پورامینی، محمدباقر، (۱۳۹۳)، سبک زندگی: «منشور زندگی در منظر امام رضا (ع)»، قم: انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). موسوعة کلمات الامام الحسین (ع). قم: دارالاسوه.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). مراحل اخلاق در قرآن (ج ۱۱). قم: نشر اسراء.
۱۰. _____ (۱۳۶۹). ولایت در قرآن. قم: نشر رجاء.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۱). رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور. قم: انتشارات تشیع.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ج ۵)، ۲۰. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۳. حیدری ابهری، غلامرضا، (۱۳۹۷). دایرةالمعارف سبک زندگی اهل بیت (ع). تهران: انتشارات قدیانی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹ش). لغت نامه (ج ۴۵). زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۶م). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار العلم الدار الشامیة.
۱۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۳۸۵). الدعوات. قم: دلیل ما.
۱۷. سبحانی، جعفر و محمد رضایی، محمد (۱۳۸۹). پژوهشی در باب ولایت تکوینی انسان از دیدگاه قرآن، «انسان پژوهی دینی». ش ۲۴. ص ۵-۱۷.

۱۸. شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۷). مفاتیح الغیب. تهران: بنیاد حکمت اسلامی.
۱۹. _____ (۱۴۱۹ق). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. _____ (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. محقق و مصحح: فیض الاسلام. قم: هجرت.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰ق). رساله الولاية. قم: مؤسسه اهل البيت (علیهم السلام).
۲۲. _____ (۱۳۹۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. عالمزاده نوری، محمد، (۱۳۹۱). همیشه بهار. «آداب و سبک زندگی اسلامی»، قم: نشر معارف.
۲۴. فقیه، علی نقی و دیگران (۱۳۹۴). «سبک زندگی پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم السلام) در مواجهه با دیگران»، فصل نامه سراج منیر، ش ۱۹، ص ۱۳۷-۱۶۰.
۲۵. فیومی، احمدبن محمد (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۶. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۷ق). المحجة البيضاء. چاپ چهارم. به تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. قاسم پور دهاقانی، علی و احمدرضا نصر اصفهانی (۱۳۹۰). «رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی»، فصل نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۳، ص ۷۲-۹۲.
۲۸. قزوینی رازی، احمدبن فارس (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۲۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول الکافی (ج ۱، ۲، ۹). چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن و الاقوال والافعال. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحار الانوار (ج ۱، ۷۸، ۷۵، ۱۰۰). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۲. محمدی، عبدالله (۱۳۹۰). «نقد نظریه تباین دین و معنویت». دو فصل نامه معرفت کلامی، ش ۳، ص ۱۱۵-۱۳۶.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، در جستجوی عرفان اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۳۴. _____ (۱۳۷۷). پرسش ها و پاسخ ها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۳۵. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ معین (ج ۲)، چاپ بیست و هفتم. تهران: امیرکبیر.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۳). تهران: صدرا.

۳۷. ملکيان، مصطفى (۱۳۸۵). مشتاقی و مهجوری. تهران: نگاه معاصر.
۳۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور (ج ۱۶، ۱۴، ۱۷). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۹. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، (۱۳۸۱)، سبک زندگی پایدار، تهران: مؤسسه نشر شهر.
۴۰. ناصری، علیرضا (۱۳۸۷). بحران معنویت در عصر حاضر. قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه.
۴۱. نصر، سید حسین (۱۳۸۳). دل‌باخته معنویت. تهران: کویر.
42. Rees, W. L, 1969, *Dictionary of Philosophy and Religion*, Willaim L, New Jersey: Humanities.
43. King, URSALA, 1997, *Spriuality in A New Handbook of Living Religions*, Blackwell.